

روح آزادیخواهی در ملت آمریکا

۲۷ خرداد ماه ۱۳۴۶

خانمها، آقایان!

بطوریکه در دعوتنامه ملاحظه فرموده‌اند موضوع سخنرانی امروز ما روح آزادیخواهی در ملت آمریکا میباشد ولی اجازه میخواهم قبل از آنکه وارد موضوع شوم از حضار محترم که برای شنیدن عرایض بنده دعوت انجمن را پذیرفته و باینجا تشریف آورده‌اند تشکر کنم همینطور از هیئت مدیره انجمن که افتخار سخنرانی امروز را به بنده اعطا فرموده‌اند/سیاسگزاری نمایم .

بسی مایه خرسندی است که انجمن ما توانسته است در راه وظیفه بسیار خطیری که بعهدہ گرفته یعنی تحکیم و تشدید روابط بین ملت باستانی ایران و ملت بزرگ و آزادیخواه آمریکا قدم‌های مهمی بردارد و اگر عرایض امروز بنده جزئی خدمتی درین راه باشد مایه نهایت مسرت و مباهات برای بنده خواهد بود .

خانمها و آقایان محترم بنوعی مشاهده میفرمایند که در اثر پیشرفتهای علمی و صنعتی تاچه اندازه دوری و مسافت بین نقاط مختلفه جهان کاهش یافته و چقدر دنیا کوچک شده است ولی پیشرفت بشر در محیط اجتماع و اخلاق هم آهنگ بایشرفتهای صنعتی و علمی نبوده و امروزه بعلت عدم آشنائی بروحیه واحوال یکدیگر مسافت زیادی مردم کشورهای مختلف و حتی ساکنین یک کشور و یک شهر را از هم جدا میکنند و در نتیجه حالت عدم تعادلی در جامعه بشر حکمفرما میباشد که منشاء و علت اصلی وضع خطرناک و بحرانی است که مردم دنیا از اوایل قرن بیستم دچار آن گردیده و روز بروز بروخامت و شدت آن افزوده میشود. لذا امروز مؤثرترین اقدام در راه تأمین سعادت بشر همانا کوشش در کاستن مسافتی است که عدم شناسائی بین افراد ایجاد نموده است و بزرگترین وظیفه روشنفکران و دانشمندان هر قوم و ملت آنست که در راه شناساندن افراد و نزدیک ساختن آنها بیکدیگر قداکاری کنند و از اینجاست اهمیت اقداماتی که از طرف انجمن ما برای شناساندن دو ملت ایران و آمریکا بعمل میآید و نتایج مطلوبی که از این شناسائی عاید دو ملت و بالمال عاید کلیه ملل جهان میگردد واضح و روشن میباشد بدین علت بنده از موقعیتی که چند ماه قبل برای مسافرت بکشور آمریکا پیش آمد و توانستم به یکی از آرزوهای خود که دیدن کشور آمریکا و آشنائی با مردم مهربان و صدیق و آزادمنش آن کشور است موفق شوم و اینک بهتر بتوانم وظایفی را که بعنوان یک نفر عضو انجمن روابط ایران و آمریکا در راه شناساندن این دو ملت بیکدیگر بعهدہ دارم انجام دهم . بسیار خرسندم اگرچه مسافرت من در آمریکا چند ماهی بیشتر طول نکشید ولی در این مدت کوتاه بعلت مسافرت در سرتاسر آنکشور و علاقه مفرطی که مردم آمریکا با آشنا ساختن خارجیان باوضاع واحوال کشور خودشان ابراز میدارند و راستی و درستی که در بیان افکار و عقاید و نظریات خود بخرج میدهند و شباهت زیادی که بین وضع زندگانی و تربیت و روحیه کلیه افراد آمریکائی موجود است تصور میکنم توانسته باشم راجع باین ملت اطلاعاتی که قابل ذکر در این مجلس عالی باشد جمع آوری کرده و اینک بعرض خانمها و آقایان محترم برسانم .

در مدت اقامت در آمریکا همیشه بغاطر داشتم که عضو این انجمن هستم و بدون شك پس از

مراجعه از بنده خواهند خواست شمه از مشاهدات خود در امریکا را بعرض برسانم این فکر مرا و امیداشت در مطالعات خود عمیق تر و دقیق تر شوم ولی کشور امریکا بقدری وسیع و زندگانی مردم آن بانده ازای بازندگانی مردم سایر کشورها تفاوت دارد که شخص میتواند بر هر قسمت از مشاهدات خود در شئون مختلفه زندگانی آن کشور فصول طویلی حکایت کند و در انتخاب موضوع مردم میماند. عظمت ساختمانها و کارخانها و تأسیسات صنعتی، فعالیت شدید و خستگی ناپذیر افراد، سطح زندگی و درجه رفاه مردم، صداقت و صمیمیت اشخاص قدرت و عظمت بنگاهها و سازمانهای مالی و اقتصادی و بالاخره از همه جذاب تر مناظر طبیعی و زیبایی کالیفرنیا و داستان شهر هالیوود میعاد ستارگان و معبد خدایان زیبایی و جمال هر یک موضوعی جالب و با اهمیت است. معینا اندکی از مدت اقامت و مسافرت من در امریکا نگذشته بود که تصمیم خود را نسبت باینکه چه موضوع با اهمیت تر و توصیف آن برای مردم سایر کشورها مفیدتر است اتخاذ نمودم زیرا همیشه شخص وارد امریکا میشود مهمترین چیزیکه جلب توجه او را مینماید و اگر اندکی دقت نماید حتی بهتر و واضحتر از آسمان خراشهای عظیم در نظر او مجسم میشود روح آزادیخواهی ملت آمریکا است توجه باین خصوصیت یعنی رسوخ روح آزادی دوستی در اعماق قلوب و وجدان امریکائیه و تجلیات آن در کلیه شئون زندگانی انفرادی و خانوادگی و اجتماعی مردم امریکا بقدری شخص را تحت تأثیر قرار میدهد که بدون تردید هیچ موضوع دیگری نمیتواند تا این اندازه توجه او را بخود جلب کند.

از اقیانوس که شخص بتدریج بساحل امریکا و بشهر نیویورک نزدیک میشود مجسمه عظیمی توجه او را بخود جلب میکند این مجسمه مانند سایر کشورها مجسمه یک پادشاه فاتح و یا مجسمه بتی نیست بلکه بطوریکه همه میدانند این مجسمه آزادی است که بوار دین با نهایت صراحت و بحسوس ترین وجهی میفهماند و مزده میدهد که سرزمینی که بآن پا مینهند سرزمین آزادی و مسکن مردمی آزادیخواه است، بیش از هر چیز عزیز می شمارند و آنرا محترم میدانند و از هیچگونه ستمیکه آزادی را فداکاری برای حفظ و نگاهداری آب فروگذار نمیکند. آری سرزمین امریکا مأمن آزادی است. گفتم این مجسمه یک بت یا یک پادشاه فاتح نیست البته ظاهراً چنین است ولی همیشه شخص در کشور امریکا مقیم شد احساس میکند که آزادی سلطان و معبود مردم امریکاست.

امروز هیچکس نمیتواند انکار کند که آزادیخواهی بزرگترین موجب ترقی و پیشرفت ملتی بوده و هیچ تمدنی مراتب پائین تر از آنچه امروز در کشور امریکا وجود دارد جز در نتیجه وجود آزادی فکر و عقیده و نطق و شغل و غیره میسر نخواهد شد.

در امریکا با هر کس که وارد مذاکره می شدم اعم از عالم یا جاهل پیر یا جوان فوری احساس میکردم که او باین حقیقت بزرگ وجدان و ایمان دارد و آنچه در امریکا وجود دارد و کلیه خوشبهای مردم آنرا از برکت این آزادی میدانند از ته دل و از روی خلوص نیت آزادی را دوست داشته و آنرا محترم می شمارد.

امریکائیهها بهجودی که با یک خارجی روبرو میشوند و میخواهند از وضع کشور او اطلاع حاصل کنند فوری از درجه آزادی در آن کشور سؤال میکنند. حقیقتاً چه سؤال بجائی! و چه سؤال صحیحی! چه چیزی بهتر از آزادی که منشاء و موجد تمدن و کلیه ترقیات است میتواند درجه تمدن یک کشوری را واضح کند. از شما می پرسند در کشورتان چقدر آزادی وجود دارد؟ آیا حکومت در دست مردم است یا در دست طبقه خاص؟ آیا حکومت ب فکر مردم است و برای مردم کار میکند یا برای منافع عده معدود؟

روح آزادیخواهی در ملت آمریکا

آیا دستگاه قضائی شما استقلال حقیقی دارد یا خیر؟ آیا دستگاه حکومت حقایق را در دسترس عموم میگذارد و بانتقاد های مردم ترتیب اثر میدهد یا خیر انسان وقتی این قبیل سئوالات را از اشخاص عادی میشوند میفهمد که افراد امریکائی نه تنها بآزادی عشق و علاقه دارند بلکه بلوازم وجود و پایدار ماندن آن کاملاً واقف هستند. البته در بادی امر این موضوع عجیب بنظر میآید ولی اگر بخاطر بیاوریم که تمام کوشش تربیت در امریکا، در خانواده در دبستان در دبیرستان و در دانشگاه مصروف و متوجه پرورش این روح یعنی روح آزادیخواهی است از این سئوالات و از این وقوف کامل مردم باصول و مزایای آزادی تعجب نخواهیم کرد بلکه بیشتر از موفقیتی که نصیب برنامه تربیتی کشور امریکا شده است متعجب خواهیم شد.

آیا برای برنامه تعلیم و تربیت و مربیان يك کشور موفقیتی بیشتر از این میتوان انتظار داشت؟ مربیان ملت امریکا و فرهنگیان آنکشور بخوبی بااهمیت این وظیفه آشنا هستند تقریباً در کلبه اعلانیایک برای جمع آوری وجوه بمنظور ساختمان دبستانها دیدم نوشته شده بود بمنظور تقویت آزادی و حفظ و نگاهداری آب ساختمان مدارس کمک کنید.

آری منظور از مدرسه جز حفظ و تقویت آزادی افراد بشر چیز دیگری نیست و مؤسسه ای حقیقتاً شایسته اسمی است که بتواند این وظیفه مقدس را انجام دهد.

بطوریکه در بالا گفتم در تمام شئون زندگی مردم امریکا اثرات و تجلیات این روح بانهایت صراحت آشکار است و حتی اگر انسان بعشق و علاقه و احترام مردم امریکا نسبت بآزادی آگاه نباشد شاید بیکسختی از طرز رفتار و اقدام افراد و اصول سازمانهای سیاسی و اجتماعی و قسمتی از قوانین و مقررات آنکشور بنظر او عجیب باشد. البته نمیتوان در يك سخنرانی کوتاه کلیه این اثرات و تجلیات را يك بيك تحلیل و تشریح نمود ولی میتوانم بطور خلاصه چند مثال ذکر کنم.

غالب افراد سایر کشورها که بزندگان غیر آزاد و آمیخته با تعارفات و تصنعیات زیاد عادت دارند در اولین برخورد رفتار آزادمش امریکائیه را نپسندیده و آنرا غیر مؤدبانه تشخیص میدهند و حال آنکه بنظر امریکائیان مقید ساختن زندگانی افراد بيك سلسله تعارفات و تصنعیات بیمعنی و فریب دهنده جزائلاف وقت و انرژی و ایجاد توقعات بیجا و رنجش و کدورت بین مردم نتیجه ندارد.

همه میدانند که احترام بآزادی مستلزم ایمان بمساوات و برابری افراد است زیرا تا زمانیکه شخص سایر افراد هموع را با خود برابر نداند حاضر نیست آزادی آنها را مورد احترام قرار دهد. لذا روحیه آزادیخواهی در امریکا از طریق وجود برابری و مساوات بین مردم بهترین وجهی اشاره میشود البته بین افراد اختلاف ثروت و حقوق و مقام زیاد است ولی هیچکس این اختلافات را موردی برای تحقیر کردن و کوچک شمردن سایرین نمیداند برعکس رفتار او طوری است که این اختلاف در ظاهر بهیچوجه مشهود نیست همینطور کسانی که از حیث موقعیت اجتماعی پائین تر هستند هیچگاه حاضر نیستند آزادی خود را در مقابل افراد بالاتر از دست داده و برابری طبیعی خود را با آنان فراموش کنند.

بعضی از خارجیان فعالیت شدید و خستگی ناپذیر امریکائیان را برای تأمین زندگانی مادی و تولید ثروت یا باصطلاح بدست آوردن دلار مورد انتقاد قرار میدهند ولی برای امریکائی بخوبی واضح شده است که آزادی با فقر سازگار نیست برای اینکه شخص بتواند حقیقتاً در جامعه آزادانه زندگانی کند بایستی وجودی مفید و مولد ثروت باشد و بتواند باتکای قوت بازو و یا نیروی فکر زندگی خود را تأمین نماید فقر

نه تنها در مورد اشخاص موجب از بین رفتن آزادی می گردد بلکه این امر بدرجه شدید تری در مورد اقوام و ملتها نیز صادق بوده و بزرگترین بلا برای آزادی ملل فقر افراد آن ملت میباشد. درست است که امریکاییها بدولار علاقه مفرطی دارند ولی خوشبختانه آزادی تنها چیزی است که بآن بیش از دلار علاقمندند این حقیقت را باآسانی میتوان با مختصر نظری بتاریخ امریکا و از کمترین تماسی با مردم امریکا بخوبی استنباط نمود.

از همین لحاظ در تعریف آزادیهای چهارگانه مرحوم پرزیدنت روزولت که بدون اغراق میتوان او را بزرگترین مرد آزادیخواه تاریخ دانست آزادی از فقر را در رأس کلیه آزادیها ذکر نموده است. سه آزادی دیگر عبارتند از آزادی از ترس آزادی نطق و آزادی مذهب مردم امریکا نه تنها از این آزادیها برخوردار هستند بلکه ایمان دارند باینکه سعادت آنها جز در سایه وجود این آزادیها میسر نیست و تا زمانی که در کلیه نقاط جهان مردم واقعا دارای این آزادیها نباشند نه فقط سعادت مردم آنکشور بلکه سعادت و امنیت کلیه مردم جهان در معرض مخاطره قرار دارد. کسانیکه بوضع اجتماعی کشور های مختلف جهان آگاه هستند و عموم مطلعین تصدیق دارند که امروز در هیچ کشوری زنان باندازه امریکا از آزادی حقیقی برخوردار نیستند و در هیچ کجا تا این حد چه در قوانین و چه عملا تساوی بین حقوق مردان و زنان رعایت نمیشود. نتیجه این آزادی و این تساوی آنست که از یکطرف زنان با نهایت فعالیت در کلیه کارهای اجتماعی شرکت کرده در بانکها و تجارتخانه ها و هتلها و رستورانها قسمت عمده کار هارا آنها انجام داده بجای اینکه مانند سایر کشورها فقط طبقه مصرف کننده باشند مبدل بیک طبقه تولید کننده شده اند و بدین علت میتوانند برای خود دارای زندگی مستقل و آزاد باشند و چون قادر هستند که بوسیله کار زندگانی خود را تأمین نمایند خیلی کمتر از زنان سایر کشورها بمنجلاب فساد اخلاق و فحشا گرفتار میشوند و از طرف دیگر چون خانواده های امریکائی بر اساس تمایل آزاد زن و مرد ایجاد و ادامه می یابد لذا در محیط خانواده توافق و در نتیجه خوشبختی بیش از خانواده های سایر کشورها موجود است و بعلمت این آزادی بیوفائی و فریب در خانواده های امریکائی خیلی کمتر اتفاق می افتد. درجه خوشبختی که در خانواده های امریکائی موجود است بهیچوجه قابل مقایسه با خانواده های اروپائی و شرقی نیست این خوشبختی خانوادگی اینچنانکه گفتیم مولود روح آزادیخواهی و آزادی دوستی مردم امریکائی میباشد. اولیاء امریکائی نه تنها جهد میکنند فرزندان خود را باروحیه مستقل و آزادی تربیت نمایند بلکه پیش از هر جای دیگر با قایبان آزادی و استقلال میدهند. در نتیجه فرزندان امریکائی کوشش دارند هرچه زودتر برای خود زندگانی مستقلی تربیت داده و از اولیاء خود جدا شوند. من بکرات از دوستان امریکائی جوان خود سراغ خانواده آنها را میگیرم و در پاسخ می شنیدم که از خانواده های خود جدا شده و بشهر های دیگر مسافرت نموده اند و حتی برای داشتن زندگانی مستقل از ادامه تحصیلات نیز صرف نظر کرده و کاری برای خود تهیه نموده که با حقوق آن بتوانند زندگانی کنند و حال آنکه خانواده های آنها بخوبی قادر هستند وسائل زندگانی و ادامه تحصیل را برای آنها فراهم نمایند. جوان امریکائی هر قدر هم دارای خانواده ثروتمند باشد از اینکه برای زندگانی محتاج بکمک خانواده اش باشد ناراحت بوده و آنرا خفیف میشمارد و برای اینکه بین اولیاء و اقربا و رفقای خود سر بلند باشد بایستی بتواند مستقلا بدون احتیاج بکمک ابوین زندگانی خود را تأمین نماید.

برخلاف بسیاری از افراد و حتی ملتها که آزادی را برای خود میخواهند ملت امریکا آزادی

روح آزادیخواهی در ملت آمریکا

را برای نفس آزادی دوست دارد و به این جهت همینکه ببیند در یکی از نقاط به آزادی صدمه و لطمه وارد شده است فوق العاده متأثر و عصبانی میگردد. هیچ چیزی بلد از نه لطمه با آزادی احساسات ملت امریکارا تحریک نمیکند.

ملت روح آزادیخواهی کوچکترین اثری از کهنه پرستی و خرافات دوسنی در کشور امریکا مشاهده نمیشود چه بطوریکه میدانیم آزادیخواهی و ترقیخواهی دارای یک مفهوم و معنا میباشد لذا عشق به آزادی در امریکا علاوه مفرطی بترقی ایجاد کرده است. مردم امریکا حاضرند بفوریت افکار تازه را بپذیرند و از وسائلی که هرروزه اختراع میشود در زندگانی استفاده کنند. بدینجهت است که سرزمین امریکا امروز بهترین محل برای رشد و نمو استعدادها و موفقیت ابتکارها میباشد.

مردم امریکا با کمال هوشیاری مراقب دولت و حکومت و اختیارات آن هستند و میگویند حقوق خود را در مقابل دولت و حکومت حفظ نمایند. امریکائی معتقد است که دولت برای حفظ و تأمین آزادی و سعادت او بوجود آمده است نه اینکه افراد برای اجرای منویات و منظورهای دولت. دولت برای مردم است نه مردم برای دولت. موفقیتی که در انتخابات اخیر نصیب حزب جمهوریخواه شد مربوط باین امر است زیرا اولاً حزب دمکرات مدتها بود حکومت را در دست داشت و بطول مدت حکومت ممکن بود در رؤسای آن حزب افکاریکه باروح آزادیخواهی امریکائیهان وفق بدهد ایجاد کند و از طرف دیگر حزب دمکرات بملت دوره جنگ برای حکومت اختیاراتی تحصیل کرده بود که باسانی حاضر نبود از آنها صرف نظر نماید در صورتیکه حزب جمهوریخواه با لغو اختیارات و مقررات دوره جنگ موافقت داشت و مردم امریکا نیز مایل بودند که هرچه زودتر این مقررات و اختیارات لغو شده و از بین برود.

تاریخ مردم امریکا از روزیکه یکعده افراد نیرومند و آزاد منش از قاره اروپا بآن سرزمین مهاجرت کردند تا امروز یک مبارزه دائمی و پیوسته برای استمرار آزادی و دمکراسی بوده است. به پیشوائی جرج واشنگتن مردم امریکا اولین کسانی بودند که در بین مستعمرات بر علیه حکومت استعماری قیام کردند و آزادی خود را بچنگ آوردند و ب مردم سایر مستعمرات برای مبارزه با استعمار سرمشق دادند.

در زمان منرو آزادی ملل قاره امریکا را اعلام و مخالفت خود را با مداخلات ممالک اروپا در اوضاع داخلی کشورهای آن قاره ضربجا بیان کردند. در جنگهای بین المللی اول و دوم برای دفاع آزادی ملل و جان خود را فدا نمودند و بوسیله چهارده اصل و بلسن و منشور ملل متفق اصولی برای استقرار آزادی و عدالت در دنیا بیان و در اجرای آن اصول اهتمام نمودند امروز نیز آنچه من احساس و مشاهده نمودم آنست که در روح آزادیخواهی ملت امریکا نه تنها خلل و تزلزلی حاصل نشده بلکه مردم آنکشور باین وظیفه تاریخی مقدس خود آگاهی کامل دارند و تصمیم دارند آنها را بوجهی که شایسته یک ملت نیرومند و آزادیخواه است انجام دهند و بایمان فدا کاریهای گذشتگان خود و روح شهدای راه آزادی در دنیا وفادار بمانند و این است بنظر من بزرگترین حقیقت تاریخی و سیاسی امروز. این است یگانه مایه امیدواری نسبت بآینده صلح و آزادی و سعادت بشر. اینست بهترین سوغانی که من از امریکا با خود آورده ام.